

صعود عیسی مسیح به آسمان

هنگامی که ایلیای نبی به آسمان صعود کرد، جانشین او الیشع آرزو کرد که دو برابر قدرت ایلیا را داشته باشد. شرط به دست آوردن آن قابل توجه است: تنها اگر الیشع می‌دید که ایلیا چگونه به آسمان صعود می‌کند، این سهم را دریافت می‌کرد. از این رو الیشع بسیار هشیار بود تا این لحظه صعود را از دست ندهد. او آن را از دست نداد و شاهد صحنه‌ای شگفت‌انگیز شد (دوم پادشاهان 9:2-14).

امروز نیز ممکن است به همان اندازه مهم باشد که صعود خداوند را از دست ندهیم. البته این صعود مدت‌ها پیش رخ داده و دیگر نمی‌توان آن را از دست داد. اما معنای صعود عیسی به آسمان کمتر برجسته می‌شود. این رویداد، مانند مصلوب شدن و رستاخیز، جایگاه مهم خود را در تاریخ نجات دارد.

پذیرفته شده در جلال

به راز دینداری، یعنی بنیان ایمان، که در شخص مسیح بر ما گشوده می‌شود، این نیز تعلق دارد که او در جلال بالا برده شد.

و بالاتفاق سّر دینداری عظیم است: خدا در جسم ظاهر شد، و در روح تصدیق کرده شد، و به فرشتگان مشهود گردید، و به امت‌ها موعظه کرده شد، و در دنیا ایمان آورده شد، و به جلال بالا برده شد. اول تیموتائوس 3:16

نه تنها جلال جایی بود که او به آن صعود کرد. کل ورود او به آسمان در جلال پیچیده بود. ابر جلال خدا او را در بر گرفت و همراه ورود او به آسمان بود.

او در ابر بالا برده شد:

و چون این را گفت، وقتی که ایشان همی‌نگریستند، بالا برده شد و ابری او را از چشمان ایشان در ربود. اعمال رسولان 1:9

من باور دارم که این صعود خداوند کمتر از صعود ایلیا شگفت‌انگیز نبود. این پسر پدر است که مأموریت خود را با بها دادن جانش به انجام رسانده و اکنون به آسمان وارد می‌شود، برای تاج‌گذاری بالا می‌رود تا خدای پدر به او خوشامد گوید. با صعود او، بر تخت نشستن او آغاز می‌شود. عیسی، آن ناصری خوارشمرده، بی‌درنگ پس از آن خداوند و مسیح ساخته می‌شود. او اکنون بر تخت پدر جای می‌گیرد. انسانی که پسر خداست، به‌عنوان نخستین انسان به آسمان، به تالار تخت خدا، قدم می‌گذارد و با همه احترام، شور و ستایشی که پدری می‌تواند به پسرش بدهد، پذیرفته می‌شود و به او خوشامد گفته می‌شود. آسمان شاهد این صحنه بی‌همتاست، بازگشت عیسی به ملکوت آسمانی که از آن بیرون آمده بود (یوحنا 3:13؛ 6:62). پسر دوباره به خانه می‌آید و می‌گوید:

من بر روی زمین تو را جلال دادم و کاری را که به من سپردی تا بکنم، به کمال رساندم. و الآن تو ای پدر، مرا نزد خود جلال بده به همان جلالی که قبل از آفرینش جهان نزد تو داشتم. یوحنا 5:17-4

پیش از آن نیز می‌شنویم که می‌گوید:

چون بیرون رفت، عیسی گفت: الآن پسر انسان جلال یافت و خدا در او جلال یافت. و اگر خدا در وی جلال یافت، هرآینه خدا او را در خود جلال خواهد داد و به زودی او را جلال خواهد داد. یوحنا 13:31-32

صعود به آسمان، که 10 روز پیش از عید پنتیکااست و 40 روز پس از رستاخیز او رخ داد، پیوندی تنگاتنگ با جلال یافتن او دارد. ما می‌توانیم شادی آسمان را پیش چشم خود مجسم کنیم، هنگامی که خداوند ما، به‌عنوان پیشرو ما، در آسمان پذیرفته می‌شود.

پیروزی و ظفر

صعود به آسمان گواه ظفر اوست. نبرد انجام شده، جنگ به پیروزی رسیده است. و آسمان او را باز می‌خواهد:

و خداوند بعد از آنکه به ایشان سخن گفته بود، به سوی آسمان مرتفع شده، به دست راست خدا بنشست. مرقس 16:19

که به آسمان رفت و به دست راست خدا است و فرشتگان و قدرت‌ها و قوات مطیع او شده‌اند. اول پطرس 3:22

آنکه نزول نمود، همان است که صعود نیز کرد بالاتر از جمیع آسمان‌ها تا همه چیز را پر کند. افسسیان 4:10

اگر رستاخیز او پیش‌تر گواه رهایی‌ای به انجام‌رسیده بود، پس با گرفتن والاترین جایگاه افتخار در کیهان به‌طور قطعی مَهر شده است که مسیح خدا همه خواسته‌های خدا را به جا آورده، بلکه از آن‌ها فراتر رفته است. او داوطلبانه پایین آمد، مانند ما زیست، مرگ گناهکار را به جای دیگران مُرد، و به پایین‌ترین جاهای زمین فرود آمد.

کلام بارها از پایین آمدن و بالا رفتن او سخن می‌گوید. همین فاصله بی‌پایان، همین فروتنی بی‌حد است که برای به انجام رساندن مشورت خدا لازم بود. و سرافرازی او پس از آن نیز به همان اندازه بی‌حد است، چنان بلند و والا که هیچ انسانی هرگز نمی‌توانست به آن برسد. و نفس‌گیر است که چون او خود را چنین فروتن ساخت، آسمان را برای ما می‌گشاید. او نه تنها راه را گشوده است، بلکه ما در او هم‌اکنون به آنجا منتقل شده‌ایم.

شکوه جایگاه او بر تخت را تنها کسی می‌تواند بسنجد که فروتنی عمیق او را احساس کند.

تا همه چیز را پر کند! گویی در هر گوشه آسمان نام او خوانده می‌شود، همه چیز از او نقش گرفته و پر شده است!

پس جمیع خاندان اسرائیل یقیناً بدانند که خدا همین عیسی را که شما مصلوب کردید، خداوند و مسیح ساخته است. اعمال رسولان 2:36

این کلام نیز بُعد تاریخی نجاتی صعود و جلال یافتن او را روشن می‌کند. گستره جلال یافتن او برای تمام جهان پیامد دارد. خاندان اسرائیل انحصار خود را بر نجات خدا از دست می‌دهد؛ تمام جهان می‌تواند مسیح خداوند، مسح‌شده خدا، را بشناسد.

رهایبی به انجام رسیده است!

البته این رهایبی پیش‌تر در رستاخیز از سوی خدا مَهر شده است. اما در اینجا، در برابر پس‌زمینه قربانی‌ها و خدمت‌های بی‌پایان عهد قدیم، یگانگی و اعتبار جاودانی جان‌فشانی او و ارزش خون او مستقیماً با ورود او به قدس آسمانی پیوند داده می‌شود.

و نه با {یا: به واسطه} خون بزها و گوساله‌ها، بلکه با {یا: به واسطه} خون خود، یک بار برای همیشه به قدس داخل شد و رهایبی ابدی را به دست آورد. عبرانیان 9:12

او در جلجتا خون خود، یعنی جان خود، را داد و به‌طور روحانی با خون خود به قدس‌الاقداس وارد شد. اما در این کلام سخن بر سر این است که او یک بار برای همیشه وارد شد و مانند کاهن اعظم دوباره بیرون نیامد، و اینکه به دست راست خدا نشست. «خدمت» رهایبی به انجام رسیده است؛ مسیح بر تخت نشسته است.

او بانی، آفریننده نجات ابدی است. چه کسی می‌تواند چنین ادعای نفس‌گیری داشته باشد، چه کسی می‌تواند بگوید که چنین کاری را به انجام رسانده است؟

و کامل شده، همه مطیعان خود را سبب نجات جاودانی گشت، و از خدا خوشامد گفته شد {یا: خطاب شد} به کاهن اعظم بر رتبه ملکی‌صدق. عبرانیان 5:9

اما تنها او، که خدا به او خوشامد می‌گوید و او را در قدس خود می‌پذیرد تا بر تخت او، بالاترین جایگاهی که وجود دارد، بنشیند. چه خوشامدی! پسر پس از 33 سال باز می‌گردد! و لقب افتخاری «کاهن اعظم بر رتبه ملکی‌صدق» را دریافت می‌کند!

خطاب پدر این کلام را در بر دارد: به دست راست من بنشین تا دشمنانت را پای‌انداز تو سازم! مزامیر 110:1
آیا اگر خدا او را به این شیوه نمی‌پذیرفت، رهایبی‌ای جاودانی و چون‌وچراناپذیر به انجام می‌رسید؟

نمایندگی در آسمان - نجات بر زمین!

او از آسمان‌ها گذشته است. این همان صعود اوست که پیش‌شرط مقام کاهن اعظمی اوست. او در موکبی پیروزمندانه بالا رفت و همه فرشتگان او را دیدند.

پس چون رئیس کهنه عظیمی داریم که از آسمان‌ها در گذشته است، یعنی عیسی، پسر خدا، اعتراف خود را محکم بداریم؛ زیرا رئیس کهنه‌ای نداریم که نتواند همدرد ضعف‌های ما بشود، بلکه آزموده‌شده در هر چیز به مثال ما بدون گناه. پس با دلیری نزدیک به تخت فیض بیابیم تا رحمت بیابیم و فیضی را حاصل کنیم که در وقت ضرورت اعانت کند. عبرانیان 4:14-16

او تنها تماشا نمی‌کند، چنان‌که ما اغلب می‌کنیم؛ نه، او برای ما نزد خدا دعا و التماس می‌کند تا در راه باریکی که به جلال می‌رسد، از پا در نیابیم.

از این جهت نیز قادر است که آنانی را که به وسیله وی نزد خدا آیند، نجات بی‌نهایت بخشد، چون‌که دائماً زنده است تا شفاعت ایشان را بکند. {یا: نماینده ایشان باشد، برای ایشان دعا کند} عبرانیان 7:25

روح خدا: آب زنده، یاور و قوت از اعلی

شرط آنکه روح خدا در پنتیکاست بر زمین فرستاده شود، مسیحی بود که به آسمان صعود کرده و جلال یافته باشد!

کسی که به من ایمان آورد، چنان که کتاب می‌گوید، از بطن او نهرهای آب زنده جاری خواهد شد. اما این را گفت درباره روح که هر که به او ایمان آرد او را خواهد یافت، زیرا که روح‌القدس هنوز عطا نشده بود، چون که عیسی تا به حال جلال نیافته بود. یوحنا 7:38-39

روح خدا قرار بود بر مسیح جلال‌یافته شهادت دهد و این جلال را در راه ما به سوی مقصد برایمان زنده نگاه دارد – راهی که از بیرون هیچ نشانی از این جلال مسیح، که او با ما شریک خواهد شد و هم‌اکنون از آن ماست، نمی‌گذارد که دیده یا حدس زده شود. به این معنا می‌توانیم از قوت از اعلی نیز سخن بگوییم، که جوهر و اثر جلال در اعلی است.

به راستی این راز ماست که خداوند ما اکنون خداوند جلال است و ما در راه رسیدن به همین جلال هستیم. او می‌خواهد جلال خود را به ما نشان دهد، جلالی که پدر به سبب کار به انجام‌رسيده او به وی داد. در پنتیکاست این روح آمد و برای شاگردان قوت از اعلی شد. اما همه می‌دانند که این روز، درست به واسطه روح، زمان تولد کلیسای خدا شد:

پس چون به دست راست خدا بالا برده شد، روح‌القدس موعود را از پدر یافته، این را که شما حال می‌بینید و می‌شنوید ریخته است. زیرا که داود به آسمان صعود نکرد، لیکن خود می‌گوید: «خداوند به خداوند من گفت: بر دست راست من بنشین تا دشمنانت را پای‌انداز تو سازم». {مزامیر 110:1} اعمال رسولان 2:33-35

در آن روز همه شاگردان از یک روح نوشانیده شدند و با سر آسمانی پیوند یافتند. سر و بدن، تصویر و واقعیت پیوند صمیمانه و جدایی‌ناپذیر مسیح و کلیسا هستند. و قرار بود مسیحی جلال‌یافته سر باشد، نه کمتر از کسی که همه را در همه پر می‌سازد. نه مسیحی برخاسته از مردگان پیش از صعودش، هنگامی که هنوز بر زمین بود، بلکه آن که آینده از آن اوست، کسی که می‌خواهد این جلال را برای همیشه با کلیسا شریک شود. او دیگر در هیچ جا بدون کلیسا نخواهد بود، زیرا سر و بدن جدایی‌ناپذیرند.

اینکه عیسی شاگردان را ترک کند، ناگزیر آنان را اندوهگین می‌کرد. اما استاد به ایشان روشن می‌سازد – و به ما نیز در سراسر عهد جدید – که بازگشت او چقدر مهم و مطلقاً لازم است. روح خدا به این خلأ وارد می‌شد، آنان را پر می‌ساخت و در ایشان ساکن می‌شد. او دوباره می‌آمد، در این روح، که روح مسیح نیز نامیده می‌شود.

اما الآن نزد فرستنده خود می‌روم و کسی از شما از من نمی‌پرسد: به کجا می‌روی؟ و لیکن چون این را به شما گفتم، دل شما از غم پر شده است. و من به شما راست می‌گویم که رفتن من برای شما مفید است، زیرا اگر نروم، تسلی‌دهنده نزد شما نخواهد آمد؛ اما اگر بروم، او را نزد شما می‌فرستم. یوحنا 7-16:5

او آمدن ما را آماده می‌سازد!

صعود به آسمان مستقیماً با امید ما نیز پیوند دارد. او باید برود تا در جایی که همواره با پدر بود، برای ما منزلی آماده کند. او شخصاً به این مکان رسیدگی می‌کند تا آن را برای ما مناسب سازد. این به چه معنا می‌تواند باشد؟ او چنان خیر ما را می‌خواهد که ما هیچ تصویری نداریم چه چیزی در انتظار ماست!

در خانه پدر من منزل بسیار است، و الا به شما می‌گفتم. می‌روم تا برای شما مکانی حاضر کنم. و اگر بروم و از برای شما مکانی حاضر کنم، باز می‌آیم و شما را برداشته با خود خواهم برد تا جایی که من می‌باشم شما نیز باشید. یوحنا 3-14:2

شنیده‌اید که من به شما گفتم: می‌روم و نزد شما می‌آیم. اگر مرا محبت می‌نمودید، خوشحال می‌گشتید که گفتم نزد پدر می‌روم، زیرا که پدر [من] بزرگ‌تر از من است. یوحنا 14:28

نجات‌دهنده در اینجا ما را به درون دلش راه می‌دهد. او می‌خواست به خانه برود! او در جهان در خانه خود نبود. او غریبه بود، خادمی متمرکز بر مأموریتش. اما می‌خواست خانه او خانه ما نیز بشود.

پس ما بر زمین در خانه خود نخواهیم بود، بلکه نزد او. ما که روزگاری زمینی بودیم، احتمالاً چیز چندانی را از دست رفته نخواهیم یافت، هرچند گاه‌به‌گاه چنین افکاری بخواهند به سراغمان بیایند.

عیسی به‌عنوان پیشرو ما پیشاپیش شتافته است و اکنون در قدس است، که همان مکانی را توصیف می‌کند که خانه پدر، البته از جنبه‌ای دیگر.

و آن را مثل لنگری برای جان خود ثابت و پایدار داریم که در اندرون حجاب داخل شده است، جایی که آن پیشرو برای ما داخل شد، یعنی عیسی که بر رتبه ملکی‌صدق رئیس کهنه گردید تا ابدالآباد. عبرانیان 20-6:19

پیشرو پیروانی دارد، و آن پیروان ما هستیم. او پیشوا و کامل‌کننده ایمان است. ما از همان راهی که او از میان آسمان‌ها پیموده است، به دنبال او خواهیم رفت. او شخصاً به «بردن» ما نیز رسیدگی خواهد کرد، همان‌گونه که به آماده ساختن منزل.

او مأموریتی بر جای می‌گذارد!

پس بدیشان گفت: در تمام عالم بروید و جمیع خلایق را به انجیل موعظه کنید. مرقس 16:15

کوتاهی می‌بود اگر این سخنان استاد را، در لحظه‌های وداع او با شاگردان، نقل نمی‌کردیم. مأموریت روشن است. این انجیل جلال خدا در چهره مسیح است (دوم قرنتیان 4:6). این پیام نجات جاودانی است، که مسیح برای آن مُرد و برخاست و به آسمان صعود کرد. و جایگاه او بر تخت خدا به ما اقتدار می‌دهد که برویم. این به‌هیچ‌روی پیام شکست‌خورده‌ای نیست که کارش بر صلیب پایان یافت. این پیام پیروزمندی است که بازمی‌گردد، که زنده است!

او بازمی‌گردد!

ای مردان جلیلی، چرا ایستاده، به سوی آسمان نگرانید؟ همین عیسی که از نزد شما به آسمان بالا برده شد، باز خواهد آمد به همین طوری که او را به سوی آسمان روانه دیدید. اعمال رسولان 1:11

او بر کوه زیتون خواهد ایستاد:

و در آن روز پای‌های او بر کوه زیتون که از طرف مشرق به مقابل اورشلیم است، خواهد ایستاد؛ و کوه زیتون در میانش از مشرق تا مغرب منشق شده، دره‌ای بسیار عظیم خواهد شد، و نصف کوه به سوی شمال و نصفش به سوی جنوب منتقل خواهد شد. زکریا 14:4

او اکنون بر تخت پدر نشسته است. آنگاه، هنگامی که بیاید، بر تخت خود فرمانروایی خواهد کرد، تختی که همه دشمنانش زیر پای آن خواهند بود (مکاشفه 3:21).

جلالی که او هم‌اکنون دارد، همچون خورشید خواهد درخشید!

همان‌قدر که روز صعود او به یقین بود، روز بازگشت او نیز به یقین خواهد آمد! همه این‌ها را از نزدیک‌ترین فاصله تجربه خواهیم کرد. هلولیاه!